

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۴ جولای ۲۰۱۱

## ایران در هفته ای که گذشت.

### تهدیدهای میان تهی احمدی نژاد

پس از آن که در هفته گذشته، گروه‌های رقیب احمدی نژاد، در جریان معرفی وزیر ورزش او را هو کردند، سخنرانی‌اش را چندین بار متوقف ساختند، او را با وزیر مردودش از مجلس بیرون راندند و در پی آن معاون وزیر خارجه‌اش را به همراه تعدادی از یاران حلقه پیرامونی‌اش، دستگیر و روانه زندان کردند، در این هفته ناگزیر شد سکوت را بشکند و موضعی بگیرد.

احمدی نژاد، روز چهارشنبه، در حاشیه جلسه هیأت دولت، در پاسخ به سوال خبرنگاران که بالاخره چه می‌گوئی و همچنان می‌خواهی سکوت کنی؟ گفت: "طبیعی‌ست که این اتفاقات و مسایل در کار کشور اثر می‌گذارد، و در کار دولت. مردم از من می‌پرسند، سوال می‌کنند و می‌گویند چه می‌شود و چه باید کرد؟ حتما همکارانم در دولت... اتهامات فراوانی از قول افراد دستگیر شده زده شد و برخی از اشکالات در این دستگیری‌ها وجود داشت که من به رئیس قوه قضائیه اعلام کردم. اما بالاخره اگر بخواهند ادامه بدهند و به بهانه‌های گوناگون، همکاران ما را در کابینه متهم کنند. وظیفه اخلاقی، قانونی و ملی دارم که بایستم و از همکاران خودم در کابینه دفاع کنم. در واقع، کابینه خط قرمزی‌ست که اگر بخواهند به آن دست‌اندازی کنند، دیگر من باید وظیفه قانونی خود را انجام دهم و این حتما به کشور آسیب می‌زند."

در پی آن، مدیر عامل خبرگزاری ایرنا، که مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد نیز هست، با درج یک مقاله در روزنامه ایران، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داد و با اشاره به دستگیری تعدادی از طرفداران احمدی نژاد، قوه قضائی را آلت دست خبرگزاری فارس که وابسته به سپاه پاسداران است، معرفی نمود. وی نوشت که در پی یک رشته امواج تبلیغاتی سنگین "برخی افراد که به عنوان حامی دولت شناخته می‌شوند، بازداشت و به زندان رفتند و سایت‌ها و وبلاگ‌هایی که از دولت طرفداری می‌کردند، مسدود شدند. ادعاها و اتهامات زیادی علیه همکاران رئیس جمهور، همراه با توهین و بداخلاقی‌های بسیار در رسانه‌های متعلق به جریان اقتدارگرا انتشار یافت و جو جامعه تحت تاثیر این جوسازی‌ها ملتهب گردید... آقای محمد شریف ملک‌زاده معاون

جدید وزیر امور خارجه، تحت فشار سنگین تبلیغاتی و روانی، از سمت خود کناره‌گیری می‌کند و بلافاصله خبر بازداشت وی رسانه‌ای می‌شود. همزمان با او رؤسای چند منطقه آزاد تجاری بازداشت و به زندان می‌روند. وی سپس از دستگاه قضائی می‌خواهد که نتیجه بررسی‌های خود را به فوریت به اطلاع مردم برساند و روشن سازد که ماجرای بازداشت رمال‌ها به کجا انجامیده است، "نتیجه بازداشت و بازجویی شماری از حامیان دولت برای مردم تبیین شود. کسانی که به زندان رفتند مرتکب چه جرایمی شده بودند؟"

رسوائی سیاسی حکومت اسلامی بیش از آن است که یکی از مقامات و کارگزاران این رژیم بخواهد در مورد آن افشاءگری کند. باندهای درون جمهوری اسلامی تا وقتی که منافع خودشان به خطر نیفتاده و در سرکوب مردم ایران متحدند، هیچ‌گاه کلامی از وحشی‌گری‌های حکومت اسلامی نمی‌گویند. اما همین که منافع‌شان به خطر افتاد، گویا اتفاق جدیدی رخ داده، از اختناق و سرکوب اقتدارگرایان سخن می‌گویند، از بازچه بودن دستگاه قضائی و دستگیری طرفداران خود می‌نالند و از بسته شدن روزنامه‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های خود شکایت می‌کنند.

این داستان هم از همان بدو پیدایش جمهوری اسلامی تا به امروز تکرار شده است. افشائگری مدیر عامل ایرنا نیز تغییری در سرنوشت آن‌ها پدید نمی‌آورد. تهدیدات احمدی‌نژاد هم کاری از پیش نمی‌برد و جز یک مشت تهدیدات میان تهی چیز دیگری نیست. احمدی‌نژاد چه می‌تواند بکند؟ او در وضعیت بحرانی رژیم، تنها یک حربه داشت که می‌توانست برای امتیازگیری از باندهای رقیب از آن استفاده کند و آن استعفاء بود. این حربه، سه ماه پیش برای وی و باندش کارائی داشت، اما اکنون دیگر کارآئی‌اش را از دست داده است. چرا که در این فاصله رقیبان وی نه فقط گروهی از افراد وابسته به وی را دستگیر کرده و گروهی را ترسانده‌اند، بلکه مقدمات کار را به نحوی فراهم کرده‌اند که به محض این که او بخواهد استعفاء دهد، پیش از آن که خبر این استعفاء انتشار بیرونی پیدا کند، استیضاح و برکناری وی در دستور کار قرار گرفته است.

از خرداد ماه [جوزا]، مجلس تصویب تخلفات احمدی‌نژاد و ارسال آن‌ها را به دستگاه قضائی رژیم در دستور کار قرار داد.

روز ۱۱ خرداد، مجلس رأی داد که احمدی‌نژاد در مورد معرفی سرپرست وزارت نفت تخلف کرده است و گزارش آن را به قوه قضائیه ارسال نمود. مورد دوم آن در روز یکشنبه این هفته بود که تخلف ۸۵۵ میلیارد تومانی وزارت صنایع و معادن در مورد هزینه کردن منابع حاصل از فروش طرح فولاد هرمزگان در قالب طرح هدفمند کردن یارانه‌ها تصویب و به قوه قضائیه ارجاع شد.

برای به جریان افتادن طرح استیضاح احمدی‌نژاد، تنها تصویب یک مورد تخلف دیگر کافی است. این در حالی است که کمیسیون اصل ۹۰ مجلس می‌گوید چهار مورد از این تخلفات در دست بررسی است. در همین هفته، کمیسیون اصل ۹۰ برای ترساندن احمدی‌نژاد، مورد سوم تخلف را پیرامون عدم تشکیل وزارت ورزش آماده کرده بود که رئیس مجلس آن را در دستور کار قرار نداد و عنوان شد که این هم امتیازی بود به دولت تا سه اخطاره و استیضاح نشود.

دبیر کمیسیون اصل ۹۰ در این رابطه گفت: "هر گزارش این کمیسیون که آرای اکثریت نمایندگان را کسب کند، به منزله یک کارت زرد به رئیس جمهور محسوب می‌شود و اگر تعداد کارت زردها به سه عدد برسد، به طور خود کار استیضاح وی در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد." از همین روست که رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید، این شیوه موثرتر از طرح سؤال است و هزینه سیاسی کمتری برای رژیم دارد.

بنابراین روشن است که چرا دیگر تهدید احمدی‌نژاد به استعفاء کارآئی ندارد و حربه دیگری هم برای درگیر شدن با رقباء در اختیار وی نیست. او را اکنون پشت در مجلس برای استیضاح نگه داشته‌اند و به محض این که بخواهد اقدامی فراتر از نزاع‌های لفظی انجام دهد، به فوریت یکی از تخلفات وی را تصویب می‌کنند و بلافاصله استیضاح می‌شود و رأی به بی‌کفایتی او می‌دهند.

خامنه‌ای و گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد، تمام اقدامات لازم را انجام داده‌اند که احمدی‌نژاد در این دو سال باقی‌مانده، بی‌سر و صدا و گوش به فرمان دوره ریاست جمهوری‌اش را به پایان برساند. سیاست شلاق و نان قندی را هم در مورد وی به مرحله اجراء درآورده‌اند. در همین هفته یکی از نمایندگان زن مجلس، فاش کرد که در پی هو کردن احمدی‌نژاد، خامنه‌ای، رئیس مجلس و تعدادی از نمایندگان را به نزد خود فرا خوانده و از این که این اقدام بازتاب بیرونی یافته، ابراز نارضایتی کرده و به آن‌ها دستور داده است که با وی مدارا شود. احتمالاً یکی از دستورات خامنه‌ای به مجلس تحت فرمان و عروسکی‌اش این بوده است که به وزرای پیشنهادی او هم رأی بدهند. چون بلافاصله پس از این دیدار، بدون این که حتا یک نفر از گماشتگان خامنه‌ای در مجلس در موافقت یا مخالفت با وزیر پیشنهادی مسکن و راهسازی حرفی بزند، چیزی که تاکنون برای حفظ ظاهر قضیه مرسوم بود، وی را تأیید کردند.

لاریجانی و نایب رئیس مجلس باهتر که خود از سازماندهندگان پشت پرده هو کردن احمدی‌نژاد بودند، پس از دستورات خامنه‌ای، هر یک در سخنرانی‌های خود کوشیدند ماجرا را رفع و رجوع کنند. لاریجانی در پاسخ خبرنگاران گفت: "نمایندگان برای ابراز نظر منفی‌شان، دو، دو، گفته‌اند، اما وقتی که از رادیو و تلویزیون پخش گردید، هو هو شنیده شد. نایب رئیس مجلس هم افزود: روز رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی ورزش یک اتفاق ناخوشایند افتاد: "نمایندگان با فریاد دو، دو، اعلام مخالفت خود را با وزیر پیشنهادی دولت اعلام کردند که شنوندگان آن را با هو هو، اشتباه گرفتند." پس اشکال از شنوندگان بوده است که اشتباهاً هو کردن احمدی‌نژاد را با دو، دو اشتباه گرفته‌اند.

با این همه، رئیس و معاونش هر دو تأکید کردند که احمدی‌نژاد باید بی‌سر و صدا به کارش ادامه دهد، والا با وی برخورد خواهد شد. لاریجانی گفت: "اگر قانون اجراء نشود حتماً مجلس از ساز و کار نظارتی‌اش استفاده خواهد کرد و جلو متخلفین را می‌گیرد." نایب رئیس مجلس نیز گفت: "دوره دولت دهم باید روند طبیعی خود را طی و تمام شود. از رئیس جمهور می‌خواهیم که این طور عمل کند." "آنجا که دم خروس بیرون زد باید کار دیگری کرد." در عین حال "جریان انحرافی باید به طور جدی پیگیری شود و اگر احساس شود، نیاز به افساء‌گری دارد، باید این موضوع دنبال شود. باید مرز افراد با جریان انحرافی مشخص و شفاف شود." منظور از "افراد" هم لابد احمدی‌نژاد است که باید مرز خود را مشخص و شفاف کند. شلاق بالای سر احمدی‌نژاد، این مرتجع اسلام‌گرا و خدمتگزار جمهوری اسلامی‌ست. او راهی ندارد، جز این که تحقیرها را پذیرا شود، تا کارش به استیضاح، برکناری و کسی چه می‌داند مثل موسوی و کروبی به حبس و حصر خانگی نکشد.

### خمینی سردسته قاتلان بود

این حقیقت امروزه بر کمتر کسی پوشیده است که هر دولت مذهبی، دشمن آشتی‌ناپذیر آزادی‌های سیاسی و حق و حقوق دموکراتیک و مدنی مردم یک کشور است. استثنائی در تاریخ وجود نداشته و هرگز وجود نخواهد داشت. دلیل آن هم ساده و روشن است. دولت مذهبی خود را نماینده خدا و عرصه حاکمیت آن بر روی زمین می‌داند. این

دولت، عقاید خود را که همانا باورهای دینی است، منبعث از منبعی می‌داند که هیچ کس نباید جرأت چون و چرا و مخالفت با آن را به خود راه دهد. هیچ فکر و عقیده‌ای، جز دین الهی مجاز نیست، و هر کس به عقیده دیگری باور داشته باشد، به حکم خدا مستوجب مرگ و نابودی است.

این فرمانی است که خدای موسی به او می‌دهد و همین فرمان را مسیحیان و مسلمانان از تورات اقتباس می‌کنند. بنابراین بی دلیل نیست که دولت‌های مذهبی در طول تاریخ همواره فجیع‌ترین کشتارها را که به قتل‌های عام و وحشتناک انجامیده است، مرتکب شده‌اند. در دولت‌های مذهبی دوران باستان نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان یافت. در دولت‌های مذهبی دوران کلیسای مسیحیت در قرون وسطا وضع بر همین منوال بوده است و در دولت‌های اسلامی جهان کنونی نیز همین واقعیت به وضوح دیده می‌شود.

نمونه‌ای و حاضر آن هم دولت‌های اسلامی از نمونه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی‌اند. جمهوری اسلامی ایران در میان تمام دولت‌های مذهبی، نمونه‌وار است و گوی سبقت را از همه ربوده است. فجایعی که این دولت دینی اسلامی در ایران به بار آورده است، بی حد و حصرند.

اما اگر صرفاً به کشتار عامدانه و آگاهانه مردم در این سال‌هایی که جمهوری اسلامی بر سر نوشت مردم ایران حاکم شده است، نظر افکنیم، می‌بینیم که ده‌ها هزار تن از مردم در این سال‌ها صرفاً به خاطر داشتن عقایدی مخالف عقاید مذهبی دولت حاکم، اعدام و تیرباران شده‌اند. ده‌ها هزار تن به خاطر افکار و عقایدشان، سال‌ها در سیاه‌چال‌های قرون وسطائی دولت مذهبی به بند کشیده شدند. مخالفان حکومت اسلامی به وحشیانه‌ترین شکل ممکن شکنجه شده‌اند. هزاران تن از مردم ایران به اتهامات غیر سیاسی نیز اعدام شده‌اند. اما بزرگ‌تر از همه این فجایع، کشتار صدها هزار تن از مردم ایران و معلول کردن میلیون‌ها تن، در یک جنگ ارتجاعی ۸ ساله برای فتح کربلا بود. دولت دینی، همان‌گونه که می‌دانیم به این همه جنایت اکتفاء نکرد و در ادامه کشتار و قتل عام مردم ایران در دهه ۶۰، با دستور مستقیم خمینی، این سردهسته آدم‌کشان حکومت اسلامی، هزاران زندانی سیاسی را در طی چند روز اعدام و تیرباران کرد و در گورهای دسته‌جمعی به خاک سپرد.

در هفته‌ای که گذشت تعدادی از مقامات پیشین و کنونی جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود، به حوادث خونین دهه شصت پرداختند. گروهی از آن‌ها که گویا پی برده‌اند چیزی به پایان کار جمهوری اسلامی نمانده است، تلاش کردند نه فقط خود را از همه این فجایع و جنایات بی‌خبر اعلام کنند، بلکه خمینی، این قاتل و جنایتکار بزرگ قرن بیستم را مخالف این جنایات معرفی نمایند. اینان همان افرادی هستند که در دوران خمینی، خود را خط امام می‌نامیدند و پس از مرگ وی بر خود نام "اصلاح‌طلب" نهادند. اینان در کنار امثال رفسنجانی و خامنه‌ای نقش اصلی را در تمام جنایات بر عهده داشتند. یکی از اینان که در این هفته پیرامون کشتارهای دهه ۶۰ به اظهار نظر پرداخت، یونسی، وزیر اطلاعات خاتمی بود. وی که یکی از رؤسای به اصطلاح دادگاه‌های کشتارهای دهه ۶۰ در اوین بود، ادعا می‌کند که این کشتارها از آن‌رو اتفاق افتاد که گروه‌ها بیشترین سهم را از انقلاب می‌خواستند و وقتی که نتوانستند به خواست‌های خود برسند شروع به سنگ‌اندازی کردند و باعث خشونت شدند و بعد هم در ادامه اراجیف خود می‌افزاید اگر گاهی می‌بینید که در گوشه‌هایی از کشور اتفاقاتی مانند جریان کهریزگ یا بعضی از مسایل رخ می‌دهد، نتیجه خشونت‌ست که مجاهدین و کمونیست‌ها رواج دادند، والا راه امام خمینی طرفدار مردم‌سالاری بود. این مرتجع می‌افزاید که در ۷ تیر در اوین در دفتر گیلانی جمع بودیم که حاج احمد آقا از قول امام تلفنی خبر داد که این روزها قضاوت نکنید تا مبدا به زندانی ظلم شود. اما کافی‌ست که هر کس روزنامه‌های همان روزها را نگاه کند تا ببیند، همه روزه خبر از اعدام ده‌ها زندانی داده شده است و بداند که

شیادی و دروغ‌پردازی این به اصطلاح اصلاح‌طلبان تا کجاست. این همان روزهایی‌ست که گیلانی در تلویزیون سخنرانی می‌کرد و می‌گفت باید از امام علی آموخت که در یک روز صدها تن از مخالفین را کشت و آهن گذاشته به چشمان آن‌ها فرو می‌کرد. یکی دیگر از این مرتجعین که از نزدیکترین افراد در دفتر خمینی بود و مدتی رئیس سازمان زندان‌ها به نام مجید انصاری، در گفت و گو با پایگاه جماران ادعا می‌کند که "اپوزیسیون دچار یک اشتباه خواسته و یا ناخواسته شده است" که از نقش وی در کشتارهای دهه ۶۰، از جمله سال ۶۷ سخن به میان آورده است. وی مدعی‌ست که در نتیجه فعالیت‌های وی بوده که به خمینی گزارش "سوء رفتار" با زندانیان را داده است و همین موجب برکناری لاجوردی از مسؤلیت دادستانی شده است.

مجید انصاری نه فقط خود را برکنار از شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی می‌داند، بلکه ادامه داده می‌گوید: "حضرت امام در کار زندان‌ها بسیار حساس بودند. حضرت امام بارها تأکید می‌کردند که برخورد با زندانیان صد در صد باید منطبق با قانون باشد." لابد به خاطر همین حساسیت و به خاطر برخورد منطبق با قانون بود که خمینی دستور داد همه زندانیان سیاسی را قتل عام کنید. با انتشار علنی نامه‌های رد و بدل شده میان خمینی و منتظری، این دیگر بسی مفتضحانه است که امثال انصاری که حالا عضو مجمع تشخیص مصلحت رژیم هم هست، بخواهد بر نقش خمینی در قتل عام زندانیان سیاسی سرپوش بگذارد. خمینی یکی از قاتلین و آدم‌کشان معروف قرن بیستم بود. او صدها هزار تن از مردم ایران را در خدمت مقاصد ارتجاعی و توسعه‌طلبانه خود برای فتح کربلا به قتل‌گاه فرستاد. او فرمان کشتار مردم کردستان، ترکمن صحرا و ده‌ها مورد دیگر را صادر کرد. او دستور سلب آزادی‌های مردم و سرکوب سازمان‌های سیاسی را داد و بالاخره تمام کشتارهای دهه ۶۰ زیر نظر او انجام گرفت. "اصلاح‌طلبان" امروزی و راه امامی‌های دیروزی که همگی مجری اوامر و تصمیمات خمینی بودند، بیهوده می‌کوشند خود را برکنار از این جنایات فجیع نشان دهند و بگویند ما نبودیم و خبر نداشتیم. بالاخره روزی فرا خواهد رسید که مردم ایران تمام دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی را به جرم کشتار صدها هزار تن از مردم در جنگ، به جرم اعدام و شکنجه ده‌ها هزار زندانی سیاسی، به جرم قتل عام زندانیان در سال ۶۷، به جرم سرکوب کارگران، زنان و دانشجویان، سرکوب مردم کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و ده‌ها شهر دیگر به پای میز محاکمه بکشند.